

# آذربایجان

بنشینجی دؤور ( دوره پنجم) ۳۵- جی نمره (شماره ۳۵) ناشر افکار فرقه دمکرات آذربایجان ۱۵ بهمن ۱۳۸۶

## سرمایه داری، فرد گرایی و نا برابری می زاید.

«فیدل کاسترو»

هماهنگی در میان قوای سه گانه بوجود بیاورد و وظایف قانونی خود را اجرا کنند. این اصل در کشورهای راقیه، از جمله در کشورهای نسبتا دموکراتیک در حال رشد، بعنوان مکانیزم اداری بکار گرفته میشود.

ادامه در صفحه ۲

تضادهای درون جامعه را حل کند و به آشتی ملی نائل آید. بدین سبب است که ثبات سیاسی و رشد موزون اقتصادی به مسئله غیر قابل تصور تبدیل گردیده بدین سبب است که دولت قادر نیست مراکز متعدد قدرت را از میان بر دارد و یک ساختار واحد و منسجم سیاسی و اقتصادی را بوجود آورده و

سالها میگذرد در ایران انقلابی جناح بندی گسترش می یابد، تقابل در میان جناحها شدیدتر میگردد. شکاف میان افشار و طبقات عمیق تر میشود، ایران معاصر، بارها از این راه عبور کرده و بعد از این نیز عبور خواهد کرد.

انقلاب اسلامی در ایران مهم ترین حادثه تاریخی بود که نتوانست

## ملت های غیر تاریخی آینده ندارد

«هگل»

در صفحه ۳

## جایگاه جنبش دانشجویی در مبارزات

جنبش دانشجویی از اول تأسیس دانشگاه در ایران، مطرح بوده است. این بخش از جنبش مردم کشور ما، در تاریخ ترین روزها فعال بوده و مشکلات زیادی را تحمل کرده است و اغلب رهبران سیاسی کشور ما فعالیت خود را از دوران دانشجویی شروع کرده اند.

ادامه در صفحه ۷

## تخریب یا فروپاشی

همانقدر که هیچگاه همه پیروزیها نشانه حقانیت نیستند، به همان اندازه هم شکستها نمی تواند دلیلی بر عدم حقانیت باشند.

سراسر تاریخ بشری مشحون از ناکامی ها و شکستها بوده است. نظام های ناعادلانه، یکی دیگری را جایگزین شده است. رنج و عذاب بشریت، همیشه بیش از موفقیتها و کامیابیهای آن بوده است. هر گاه، در دوره ای از تاریخ، انسانها گامی بسوی ترقی و تعالی برداشته اند، غاصبان قدرت و ثروت، راه را بر آنان سد نموده و از حرکت باز داشته اند. زمانی انسان، انسان را به بردگی گرفت،

ادامه در صفحه ۵

### در این شماره

- \* مهاجرته فیرقه نین یاشاماسینا..... / ۸ ص
- \* ادامه سرگشاده و آخرین وضعیت زندانیان / ۱۰ ص
- \* دو تریلیون هزینه ی جنگ عراق... / ۱۱ ص
- \* بیانیه جمعی از زنان آذربایجان..... / ۱۲ ص

## ادامه سرمایه داری، فرد گرایی و نا برابری می زاید

۲۹ سال است که حکومت انقلابی در رأس قدرت است. ۱۸ سال اخیر، سه رئیس جمهور در رأس قوه مجریه قرار گرفته اند. هاشمی رفسنجانی بعنوان مرد معتدل، ۸ سال کشور را اداره کرد. صرفاً با مسائل اقتصادی مشغول شد. دولت وی، در این ۸ سال، بعنوان دولت معتدل شهرت یافت.

بعد از ۸ سال نوبت به محمد خاتمی رئیس جمهوری منتخب رسید. او در دوره ۸ سال ریاست جمهوری خود برای استقرار آزادی های سیاسی اولویت قائل شد. اما، در برابر حساسیت طبقات حاکمه برای دستیابی به آزادی های سیاسی عاجز ماند و نتوانست و عده های خود را عملی سازد. او هم چنین در سالهای ریاست جمهوری از جانب دو جناح محافظه کار و اصلاح طلب، تحت فشار قرار گرفت و با ناکامی، دوره ریاست جمهوری خود را به پایان رساند. در انتخابات دوره ۷ مجلس و دوره ۹ ریاست جمهوری با یک پارچگی محافظه کاران تأمین گردید.

حداد عادل در انتخابات دوره ششم، در لیست انتخاب شدگان، نفر آخر بود. اما در دور هفتم به مقام ریاست مجلس دست یافت. احمدی نژاد در دور نهم انتخابات با ۱۷ میلیون رأی کرسی ریاست جمهوری را اشغال نمود. بعنوان رئیس جمهور جنجالی شهرت یافت. اکنون ایران در آستانه انتخابات مجلس است. انتخاب کنندگان بعد از رد صلاحیتها مسئولیت سنگین به عهده دارند.

۳۰ سال بعد از پیروزی انقلاب ما با جامعه ای روبرو هستیم که قطب بندی سیاسی و اجتماعی و طبقاتی با سرعت «نهادینه» میشود. شکاف میان فقر و ثروت عمیق تر میشود. نیروهای فعال اجتماعی بر سر دوراهی قرار گرفته اند. در این میان، دانشجویان دانشگاهها جای خاصی دارند. موضعگیری های سخت آنان، سکوت را میشکند. تقابل در جامعه را تشدید میکند.

اقتصاد و سیاست - سیاست تبلور اقتصاد است. سیاست اقتصادی دولت با وضع زندگی مردم ارتباط مستقیم دارد. در کشورهای رشد یافته، تقسیم ثروت (درآمد ملی) شکل عادلانه تری بخود میگیرد و فقر مطلق از میان میرود و زندگی نسبتاً قابل تحمل برای اکثریت مردم تأمین می گردد.

در کشورهای در حال رشد، تناسب و توازن بهم میخورد. فقر مطلق و فقر نسبی، قسمت اعظم اهالی را در بر میگیرد. در این قبیل کشورها زندگی برای اکثریت دشوارتر میشود. فشار اقتصادی، فشار سیاسی را تشدید میکند. زمینه برای درگیری در تمام سطوح فراهم میگردد. ایران در این مورد نمونه کلاسیک است.

احمدی نژاد در آستانه دوره انتخابات، بهبودی وضع زندگی مردم را در راس برنامه اقتصادی خود قرار داد. اما به علل عینی و ذهنی نتوانست به وعده خود عمل کند و مجبور شد به شکست برنامه اقتصادی خود اعتراف کند. در مصاحبه ۲۶ آذر ماه امسال علل عدم موفقیت خود را به این شکل به زبان آورد: «اوضاع اقتصادی وخیم است. تورم بشدت افزایش می یابد. مشکلات ساختار اقتصادی، بهره وری را پائین می آورد و هزینه تمام شده کالا را بالا میبرد. انعطاف پذیری در تولید را از میان برمی دارد، درآمدهای دولت را به نفت متکی می سازد. هزینه مصرف دولت بالا می رود، تراز منفی تجاری را افزایش میدهد. واردات به ارز متکی می شود».

احمدی نژاد در این مصاحبه عین واقعیت را در باره وضع اقتصادی بیان کرده است. زیرا، جهانی شدن سیستم اقتصادی و بکار گرفتن نئولیبرالیسم در امور اقتصادی، کشورهای عقب مانده و در حال رشد را زیر ضربه قرار می دهد. برون رفت از این وضع دشوار را غیر قابل تصور ساخته است. احمدی نژاد، که برخاسته از لایه های پائین جامعه است. بیماری اقتصادی جامعه را بدرستی تشخیص داده اما، نتوانسته و نمی تواند این بیماری را علاج را درمان کند. باید متذکر شد که ایران تنها کشوری نیست که اقتصاد بیمار دارد یعنی تولید کرائی و قدرت رقابت در برابر کالاهای خارجی را از دست داده است.

احمدی نژاد اعتراف می کند. قیمت ها بالا میروند. هزینه دولت افزایش می یابد، صادرات به مراتب کمتر از واردات است. همه این معاملات، با ارز خارجی صورت می پذیرد. نفت نیز منبع در آمد ارز را تشکیل میدهد. اگر نفت نباشد زندگی دشوارتر خواهد شد.

بنا براین، دولت در رفع مشکلات اقتصادی عاجز مانده است. تنها راه، تغییر ریشه ای در ساختار اقتصادی است که میتواند کشور را از این بن بست خارج سازد. اما چنین تغییراتی در شرایط کنونی جهانی شدن دور از واقعیت است. زیرا ایران یکی از حلقه های زنجیر اقتصاد جهانی است که با بحران ساختاری روبرو است. این بحران، سراسر جهان را از جمله قدرتمندترین اقتصاد جهان ( آمریکا ) فرا گرفته است و به قول فیدل کاسترو: « در قرنی که ما در آن زندگی میکنیم. سرمایه داری حتی به مثابه ابزار به درد نمی خورد. سرمایه داری به درختی شباهت دارد که ریشه هایش پوسیده است و به بدترین شکل فردگرایی، رشوه خواری و نا برابری می زاید».

امیرعلی لاهرودی

## ملت های غیر تاریخی آینده ندارند. «مگل»

موزاین اخلاقی، حقوقی و انسانی به ملل و اقوامگوناگون در کشورهای کثیرالملله خاورمیانه دیکته میکند تا با توافق متقابل و به شکل داوطلبانه از هم جدا شوند و کشور کاملاً مستقل و ملی تشکیل دهند. این جدائی به نکاحی شباهت دارد که زن و شوهر را از هم دیگر جدا میکند. در این صورت هیچ یک از طرفها بازنده نیستند بلکه، هر ملتی با این عمل، حقوق انسانی و ملی خود را بدست می آورد.

با حل اختلاف باین شکل، امنیت در منطقه تأمین میشود. تفاهم و اعتماد میان اقوام و ملتها برقرار میگردد. اما، واقعیت دور از این آرزوها است. خاورمیانه برای حل اختلافات قومی و به علل عینی و ذهنی آماده نیست. عقب ماندگی اقتصادی و عقب ماندگی در شعور انسانها بی تأثیر نیست. بویژه، پیسیکولوژی عشیره ای در میان اقوام غیر تاریخی قوی است. واکنش ملتهای «تاریخی» (ملتهای حاکم) در برابر خواستههای اقوام غیر تاریخی سریع، و با خشونت شدید و عاری از انعطاف همراه است. ما سالها است شاهد اعمال خشونت بی رحمانه درباره اقوام غیر تاریخی در ایران، نسبت به ترکها، کردها، بلوچها، عربها و ترکمنها هستیم. در این کشور برای توجیه اعمال خشونت پایه فکری نیز تنظیم میشود. ترک زبانها، ایرانی (آریائی) اصیل نامیده میشوند که زبان مغولی بر آنها تحمیل شده است. کرد و بلوچ از لحاظ ریشه زبانی جزئی از اقوام آریائی بشمار می روند که قرنها در ایران و در کنار ایرانیان زندگی مشترک و فرهنگ مشترک داشته اند. وضع اقوام در ترکیه و عراق نیز فاجعه بار است. سالها از جانب حکومت مرکزی تحت فشار روانی و فیزیکی قرار گرفته اند، ۲۰ سال است جنگ مسلحانه میان ارتش ترکیه و چریک های کرد در مناطق سرحدی توام با تلفات از دو طرف ادامه دارد.

مسئله اقوام در افغانستان به شکل حاد مطرح نیست، پشتونها، تاجیکها، اوزبکها و ترکمنها از لحاظ بافت اجتماعی در عقب مانده ترین مرحله عشیرتی بسر می برند و زبان واحد دری برای این اقوام به عنوان زبان ارتباط قابل قبول است. زیرا اکثریت مردم افغانستان در مناطقی زندگی می کنند که از خود گردانی قبیله ای بر خوردار هستند مسئله جدائی از افغانستان واحد، تشکیل دولت مستقل و یا الحاق به کشورهای همسایه تاجیکستان، اوزبکستان، ترکمنستان و پاکستان برای آنها مطرح نیست و برای سالیان دراز مطرح نخواهد شد.

در اوزبکستان تنها منطقه فرقانه است که برای جدائی از دولت مرکزی تلاش می کند. ولی دولت مرکزی این تلاش را با اعمال خشونت خنثی می نماید.

نژاد، زبان و قومیت انسانها را از یکدیگر جدا میسازد. فرهنگ و سنتهای قومی و ملی این جدائی را عمیقتر می نماید.

انسان موجود اجتماعی است و نمیتواند به تنهایی و در شرایط انزوا زندگی کند. بدین سبب، هم در درون جمع کوچک و هم چنین، در درون جمع بزرگ، با همدیگر رابطه برقرار مینماید. این رابطه در سطح وسیع به تقسیم کار منجر میشود و در نتیجه، یک خانواده بزرگ جهان به وجود میاید.

ما در این نوشته ارتباط میان اقوام و ملت ها را مورد بررسی قرار میدهیم. **رابطه میان ملتها در سطح متفاوت بر قرار میگردد:**

### ۱- رابطه میان کشورها.

### ۲- رابطه میان ملتها در درون یک کشور.

خاورمیانه، منطقه ای از جهان است که انسانها از عهد باستان در آن سکونت گزیده اند. ساکنین خاورمیانه هم از لحاظ قومیت و هم از لحاظ زبان و سنتهای قومی از یکدیگر فرق دارند. در عین حال به ادیان و مذاهب متعددی گرویده اند. و جزر و مد در هر دو مورد به چشم میخورد و موجب نا آرامی ها در منطقه میگردد. جنگ بلانطاق میان یهودی ها و اعراب، جنگ طولانی در میان کردها و دولت ترکیه، درگیری قومی و ملی در ایران و افغانستان، درگیری ملی و مذهبی در عراق و پاکستان پایانی ندارد. عمده ترین عامل درگیری را در این کشورها، مشکل زبان، فرهنگ و سنتهای قومی تشکیل میدهد.

این مشکل به آتشی شباهت دارد که در زیر خاکستر است و با وزیدن باد به شعله تبدیل میشود. در هندوستان، افغانستان و پاکستان شکل مذهبی، در ترکیه و بلوچستان شکل قومی در عراق شکل مذهبی و قومی به خود گرفته است.

خاورمیانه از قدیم الایام تحت امپراطوری واحد اداره میشد. از اواسط قرن ۱۵ میلادی امپراطوری واحد تجزیه شد و قسمتی از اراضی آنها به خاک دولتهای دیگر ضمیمه گردید. در قرن ۲۰، تعداد این دولتها افزایش یافت و کشمکش های قومی و مذهبی در محدوده این کشورها ظاهر شد و به شعله آتش خانمان سوز تبدیل گردید. اختلافات مذهبی و اختلافات قومی، شاخص عمده درگیری ها در این کشورها است. اولی، پایان ناپذیر و حل نشدنی است، دومی، از لحاظ حقوق بین المللی و موازین انسانی قابل حل است و در بسیاری از کشورهای اروپائی و در برخی از کشورهای آسیائی حل شده و جایی برای نزاع باقی نمانده است.

## ادامه ملتهای تاریخی....

در قزاقستان نیز مسئله اقوام بشکل حاد مطرح نیست. زیرا قزاقها گرچه ۴۰٪ ساکنین این کشور را تشکیل میدهند و بقیه اهالی ( ۶۰٪ ) روس زبان است. روسها بعد از ضمیمه آسیای مرکزی و قزاقستان به امپراطوری روسیه بویژه، در سالهای حکومت شوروی به این کشور سرازیر شدند و به اکثریت ساکنین محل تبدیل گردیدند. دولت جدید التاسیس کوشش می کند تقاهم و اعتماد میان قزاقها و روس زبانها هم چون سالهای حکومت شوروی حفظ شود و تحکیم یابد.

چین نیز از زمره کشورهای آسیائی است که در آن اقوام و ملتهای غیر تاریخی سکونت دارند. اویغورهای ترکستان شرقی یکی از بزرگترین ایالت خود گردان با قزاقستان همسرحد است، چینی ها نام ترکستان شرقی را حذف نموده اند و به آن نام سین - زیان داده اند، ارومچو شهر مرکزی آن بزرگترین مرکز تجارت در آسیا است.

قسمتی از اراضی مغولستان، بنام مغولستان داخلی بعنوان ایالت خود گردان نیز جزئی از اراضی چین است در چین و قزاقستان اصل حق تعیین سرنوشت اقوام غیر تاریخی مانند کشورهای کثیرالملله در خاور میانه حاد نیست. در همه این کشورها اصل تمامیت ارضی، ما فوق اصل حق تعیین سرنوشت اقوام قرار دارد.

تعیین سرنوشت جهانی در اروپا شده است. یعنی اسلاوها در در شبه جزیره کامل دست یافته قزاقستان، هند و سرنوشت در ارضی این بند حل شده

**راه برون رفت چیست؟  
بنظر می رسد که در قرن ۲۱،  
کشورهای کثیرالملله خاور  
میانه به آزمایشگاهی تبدیل  
خواهند شد که شاید، اصل  
تمامیت ارضی در حل مسئله  
در اولویت قرار گیرد**

اصل حق بعد از جنگ اول بشکل مطلوب حل اقوام غیر تاریخی اروپای شرقی و بالکان به استقلال اند. در چین و پاکستان حق تعیین چارچوب تمامیت کشورها بشکل نیم است.

در ترکیه و روی تمامیت ارضی، اصل حق تعیین سرنوشت، بشکل مطلق نفی و انکار میشود. بدین سبب است که درگیری مسلحانه در ترکیه بشدت ادامه دارد. در ایران حق تعیین سرنوشت در شرایط مساعد مشخص، شکل مشخص به خود میگیرد. از اواسط قرن ۲۰ این مسئله اشکال گوناگونی به خود گرفته و در اکثر موارد بشکل مسالمت آمیز بروز کرده و می کند.

راه برون رفت چیست؟

بنظر می رسد که در قرن ۲۱، کشورهای کثیرالملله خاور میانه به آزمایشگاهی تبدیل خواهند شد که شاید، اصل تمامیت ارضی در حل مسئله در اولویت قرار گیرد.

## ادامه جایگاه جنبش دانشجویی

مسئولین امر از این اعتراضات دانشجویان کشور نه تنها نباید مشوش شوند بلکه، از آن باید استقبال نمایند. زیرا این بخش از جامعه، همیشه در فکر اندیشه است و همیشه بار گرانی بدوش می کشد. اینها هستند که در آینده نزدیک، پشت سکان قرار خواهند گرفت.

مسئولین امر، نباید دانشجویان را نادیده بگیرند بلکه، باید با آنها در جلسات شرکت کرده و مسائل را در میان بگذارند، به سئوالات آنها جواب بدهند. خود دانشجویان نیز می بایست تلاش کنند که از هر گونه حرکت افراطی و ناسنجیده، دوری نمایند و به عدم اعتماد در میان جنبش دانشجویی و مسئولین پایان داده و با اعتماد متقابل به حل و فصل مشکلات بپردازند.

اگر جو عدم اعتماد بشکند، نمایندگان دانشجویان، بمناسبت هر حادثه ای می توانند با مقامات مسئول، در پشت میز مذاکره، مسائل خرد و کلان را حل و فصل نمایند. در این صورت، دیگر هیچ تشنجی بوجود نمی آید. طرفین زبان همدیگر را خواهند فهمید و فاصله ها از بین خواهد رفت. این، یکی از راه های حل مشکلات دانشجویی است.

پاکسازی استادان، دستگیری دانشجویان و محروم ساختن آنها از ادامه تحصیل، تا کنون نتیجه عکس داده است.

م. م. تقی زاده

ادامه تخریب یا فروپاشی؟

درک کرد که، گزینش چنین کلماتی، کار را ساده و راه را کوتاه می کند و از تفکر برای توضیح پدیده ها و حوادث بی نیاز می سازند. مثلا، امروز، با نسبت دادن حوادث خشن و خونین به «تروریستها» و «القاعده»، براحتی می توان از پی کوی حوادث گریخت. این شیوه برخورد به مسائل، در ادیان آسمانی نیز با عبارت «خواست و ارده خدا چنین است»، از تعریف و تبیین مسائل جدی می گریزد... در هر حال، این ارزیابی ها، به دو دلیل ساده، کاملا نادرست است. **اولاً؛** اگر بطور کلی، خشونت باعث فروپاشی نظامها می شدند، در این صورت، هیچ یک از نظامهای اجتماعی و اقتصادی اصولا نباید، پدید می آمدند. همانطور که، نظامهای برده داری، فئودالی و بویژه سرمایه داری به عنوان خشن ترین و بی رحمانه ترین نظام اجتماعی - اقتصادی که امروز هم روزانه هزاران نفر قربانی گرفتند و می گیرند، با حلوا و شیرینی ظهور نیافتند. مثلا، همین کشور ایالات متحده آمریکا در راس نظام سرمایه داری جهانی را در نظر بگیرید. برای تشکیل این کشور، ۱۲ میلیون جمعیت بومی را در طول ۳۰۰ سال، به ۲۶۰ هزار نفر تقلیل دادند. یعنی، با رشد جمعیتی معکوس. و یا تمام مخالفان آن را بدون اشتناء از بین بردند. فقط، حزب «پلنگان سیاه» آمریکا را بخاطر آوردید که، تا آخرین نفرشان را نابود کردند. با این حساب، تصور کنید چقدر انسان، قربانی خشونتها شده است. با این همه، هنوز پا برجاست. نمونه دیگر، اگر خشونت باعث فروپاشی می شد، اصولا نه شاهان پهلوی، نیم قرن بر ایران حکمرانی می کردند و نه پینوشه بر سر کار می ماند. برای جلوگیری از اطاله کلام، لزومی برای ارائه نمونه های بیشتر نیست. این ارزیابی در رابطه با شوروی بویژه صدق نمی کند. چرا که، حتی در صورت صحت ادعای مدعیان، رهبران شوروی چهل سال (بعد از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۹۳) وقت داشتند تا باصطلاح "زخمهای خشونت‌های دوره آغازین ساختن سوسیالیسم" را التیام بخشند.

**ثانیاً؛** برخی ها، علاوه بر "دلیل" فوق، بی کفایتی و نادرستی نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی را بهانه ای برای تعریف «فروپاشی» و «فروریختن» می شناسند که این ادعا حتی در صورت صحت نیز، به همان دلیل که، نظامهای تا کنونی، هم بی کفایت بوده اند و ناقص، ولی، قرن‌ها دوام آوردند، نادرست است. امروز، کدام انسان عاقلی می تواند بر کمال و کفایت سرمایه داری که، فقر، گرسنگی، بیکاری، برده داری مدرن بخشی از مهمترین دستاوردهای آن محسوب می شود، صحه گذارد.

زمانی دیگر، صاحبان بردگان، زمینها را نیز در اختیار گرفتند و نام رعیت بر بردگان نهادند. به دیگر زمان، مالکان برده و زمین، ابزاری را هم که رعیت در روی زمین با آن کار می کرد، به چنگ خویش در آورد و کارگرش نامیدند. همه این تحولات برای ممانعت از دستیابی عمومی به وسایل معاش انسانها صورت گرفت. آغاز تقسیم جامعه بشری به طبقات اجتماعی، شروعی بود بر شوربختی ها و فاجعه بشریت. و همه اینها برای گروه کوچکی از انسانها پیروزی بود و شکستی بود برای گروه عظیم انسان.

باز هم، بخاطر دقایقی که صرف خواندن این سطور خواهید کرد، سپاسگزارم. در اینجا، صحبت کوتاهی خواهم داشت در مورد کلمات «تخریب»، «فروپاشی» و «فروریختن». امیدوارم مورد توجه قرار گیرد. از آن روی این سه اصطلاح «تخریب»، «فروپاشی» و «فروریختن» را برگزیده ام که، بعد از شکست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تخریب دیوار برلین، در طول تقریباً دو دهه اخیر، آنها را بشدت رایج کردند و بسیاری از قلم بدستان، اغلب بدون توجه به معانی و مضمون این کلمات، گاه و بیگاه، آنها را در نوشته های خود بکار می برند.

کم و بیش می دانیم که، سرتاسر تاریخ بشریت جهان را شکستهای بزرگی همراهی کرده است. از شکست امپراطوریهای بزرگ، تجزیه کشورهای وسیع، نمونه ها بسیار است. تمام تاریخ ادیان و مذاهب را نیز شکستها تشکیل می دهند... ولی، هیچ یک از شکستهای بزرگ تاریخ، با کلمات فروپاشی و فروریختن تعریف نشدند و به اندازه شکست شوروی هم مورد بی مهری قرار نگرفتند، بویژه که این شکست، شکست یک یا چند ملت و کشور نبود. این، شکستی بود که فاجعه کل بشریت را در پی داشت. عیسی مسیح مصلوب شد اما، به صلیب کشیده شدن عیسی نه تنها مورد تقبیه و انتقاد قرار نگرفت، حتی، باعث گسترش عرصه اعتقاد به مسیحیت گردید. در مذهب شیعه نیز، امام علی به قتل رسید و امام حسین در جنگ شکست خورد و کشته شد، اما این شکستها نه تنها موجب از بین رفتن مذهب، تشیع نگردید، حتی، باعث دوام و قوام آن نیز شد. شکست آنها را هم «فروپاشی» و «فروریختن» نام نگذاشتند.

گروهی از تحلیل گران، باصطلاح "خشونت‌های" دوره آغازین ساختن سوسیالیسم را که در مقایسه با دیگر نظامهای اجتماعی - اقتصادی رقم قابل توجهی را تشکیل نمی دهد، دلیل تخریب سوسیالیسم و شوروی و دیوار برلین ارزیابی نموده و آن را با «فروپاشی» و «فروریختن» توضیح می دهند. البته، این را می توان

ادامه تخریب یا فروپاشی

اتحاد شوروی، سوسیالیسم و دیوار برلین را انسانها با فکر، اندیشه و جهان بینی دیگر، در دوره تاریخی معین، در شرایط مشخص، ساخته بودند و گروهی دیگر، دارای فکر، اندیشه و جهان بینی متفاوت با آنها، در شرایطی متفاوت، تخریب کردند. این است واقعیت امر. ابتدا، حوادث را با نام خود بنامیم و پس از آن، موضع گیری کنیم و موضع هر یک از ما، چه جبهه سازندگان جای بگیریم و چه در صف تخریب کنندگان، تأثیری در تغییری ماهیت امر نمی کند و تنها، اسباب زحمت نسلهای امروز و فردا را فراهم می سازد.

تفاوت مفهوم و محتوای کلمات «تخریب» و «فروپاشی» و «فروریختن» بر کسی پوشیده نیست. حادثه ای به بزرگی تخریب سوسیالیسم را نمی توان به این راحتی، با برگزیدن راه کوتاه " القاعده و یا اراده خدا" توضیح داد. بنابراین، نیازی به توضیح بیشتر در این باره نیست و فقط، توجه همه قلم بدستان و تحلیلگران واقع بین را به این موضوع جلب می کنم که، کاربرد کلماتی که بیانگر واقعیات نیستند، شایسته و برازنده نیست و کمکی به شناخت و تبیین واقعیات نمی کند. یک تحلیل گر واقع بین، باید هر حادثه ای را، صرف نظر از حقانیت و یا عدم حقانیت آن، آنچنان که هست، بیان دارد. این استدلال، هم در رابطه با اتحاد شوروی و سوسیالیسم و هم در رابطه با دیوار برلین، کاملاً صدق می کند.

صرف نظر از حقانیت و یا عدم حقانیت شوروی و دیوار برلین، حادثه بزرگ تاریخی تخریب آنها، واقعیتی است که میلیارد ها انسان، از طریق رسانه های تصویری و صدها هزار نفر به چشم خویش شاهد آن بودند. نه شوروی فروپاشید و نه دیوار برلین فروریخت. هر دو، بدست انسان ساخته شده بود و هر دو بدست انسان تخریب گردید.

فرق است میان فروپاشی و فروریختن و تخریب. بلی، اتحاد شوروی و دیوار برلین تخریب شدند. حال، عملی درست و ناگزیر بود یا نادرست و قابل گریز و علل و دلایل آن چه بود، کاری است محتاج تحقیق، بررسی و تفحص. و پس آنکه، می توان در مورد درستی و یا نادرستی آن قضاوت کرد. کاربرد اصطلاحات «فروپاشی» و «فروریختن»، که سیاستمداران، تئوریسینها، مروجان و مبلغان امپریالیسم و سرمایه داری رایج کردند، گویای واقعیت نیست. هدف آنها، از کاربرد این کلمات، گریز از مسئولیت و کتمان واقعیت است ولی، هدف واقع گرایان چیست؟

۱. م. شیزلی

هیچیک از نظام اجتماعی- اقتصادی، از جمله سرمایه داری، براساس نسخه از پیش آماده و امتحان شده ای بر جامعه تسلط نیافتند و طبیعتاً، برای تثبیت خود، بر خلاف نظام سوسیالیستی، نه حداقل، بلکه، حداکثر قربانی را هم گرفتند و همانطور که می بینیم، سرمایه داری، علیرغم مدرنیزه کردن سیستمهای برده داری و فنودالی، هنوز هم با گستاخی، به حیات خویش ادامه می دهد.

معمولاً در ضمیر همه انسانها (منهای درصد اندکی)، حس همدردی با شکست خورده، کمک به ضعیف، به نسبتهای معینی وجود دارد و هر جا که امکان بروز یابد، حتماً خود را نشان میدهد. بسیار گمان که، تمام قصص دینی و مذهبی با در نظر گرفتن همین روانشناسی عمومی، بمنظور تحریک احساسات انسانها بر اساس سبک فاجعه ترتیب یافته است. اما، این نوع احساس همدردی نسبت به شوروی شکست خورده ضعیف بود. چرا؟ حتماً در اینجا، حلقه گم شده ای وجود دارد که حتی، بسیاری از دوستان نظام سوسیالیستی نیز، با سراسیمگی و دست - پاچگی، به جبهه مقابل روی آورده و به مدح آنچه که تا همین دیروز نقد می کردند،

پرداختند. آن حلقه گم شده کدام است؟

واقعیت این است که، اتحاد شوروی، در رأس همه دستاوردهای خرد و کلان خود، علیرغم گذر از فراز و نشیبهای تند، برای اولین بار در تاریخ بشری،

**معمولاً در ضمیر همه انسانها (منهای درصد اندکی)، حس همدردی با شکست خورده، کمک به ضعیف، به نسبتهای معینی وجود دارد و هر جا که امکان بروز یابد، حتماً خود را نشان میدهد. بسیار گمان که، تمام قصص دینی و مذهبی با در نظر گرفتن همین روانشناسی عمومی، بمنظور تحریک احساسات انسانها بر اساس سبک فاجعه خاتمه ترتیب یافته است**

زمین، کارخانجات تولیدی و ابزار تولید را از دست فرد خارج کرد و در اختیار جمع قرار داد. به فرمانروائی برده داران، خوانین و صاحبان سرمایه خاتمه داد و استثمار انسان از انسان را از میان برداشت.

آن «حلقه گم شده» در همین نکته نهفته است که علاوه بر تبلیغات مداوم و امپریالیسم و ارتجاع بر علیه سوسیالیسم، گزینه طبیعی انسانها، یعنی، میل به مالکیت، تلاش برای تملک و ارتزاق از قبل کار دیگری (استثمار)، یکی دیگر از مهمترین عواملی است که موجب این بی مهری ها گردید.

نه شوروی فروپاشید و نه دیوار عریض و طویل برلین فروریخت. چگونه می توان دیوار برلین را که، انسانها، با بیل و کلنگ، بولدوزر و لودر، تراکتور و غیره در برابر چشمان میلیاردها انسان تخریب کردند، با فرو ریختن توضیح داد؟ اتحاد شوروی هم همین طور.

### ادامه جایگاه جنبش دانشجویی در مبارزات ...

دانشجویان پایان داده و پلورالیسم را در جنبش برسمیت بشناسند.

پیرو این تلاطمها در دانشگاهها، دانشجویان دانشگاه تهران به یک سری اعتراضات دست زدند و خواستار بهبود وضعیت صنفی خود شدند. متأسفانه جواب مقامات مسئول مثل همیشه یکی بود: توسل به نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها، ضرب و شتم، دستگیری و زندان. در اوضاع کنونی کشور برخورد با این شیوه به بخش آگاه و فعال جامعه، یعنی جنبش دانشجویی فوق العاده ناسنجیده و در نهایت به نفع کشور و دولت و نظام نمی باشد.

اما، دولت نهم، در هر حرکتی، دست دشمنان خود را می بیند. همه جا بوی "توطئه" می شنود. همه جا دست "خارجی" می بیند. هر حادثه را به مخالفان "خارجی" و "داخلی" خود نسبت داده و به همین جهت، همه یاران دیروزی وی، دشمن از آب درآمده اند. از نمایندگان مجلس گرفته تا رهبران سیاسی در سایر ارگانهای دولتی و غیر دولتی، اگر با دولت همفکر نباشند، با داغ بدنامی بر پیشانی مهور می شوند.

جنبش دانشجویی، امروز با انبوه تجارب گذشته، در یک صف واحد و بدون در نظر گرفتن اختلافات درونی، در سمت معقولتری حرکت می کند. همه آنها پذیرفته اند که، انسان آزاد بدنیا آمده و آزاد است که بیاندیشد، سرکوب اندیشه، اندیشه ها را نمی کشد، بلکه، جامعه را به سوی استبداد سوق می دهد.

البته، هنوز هم، در این جنبش حرکات ناسنجیده ناشی از جوانی و بی تجربگی به چشم می خورد. اما، این شامل کلیت جنبش نیست و نمی تواند آن را زیر سؤال ببرد و تنها می تواند نکات ضعف شمرده شود.

چه بسا خود لباس شخصی ها به لطایف الحیل تلاش می کنند آن را به طرف رادیکالیسم هدایت نمایند. زیرا جنبش رادیکال، بلافاصله به اقدامات غیر قانونی دست یازیده، خود را در زیر تیغ قرار می دهد و زمینه را برای سرکوب و ضرب و شتم فراهم می کند.

جنبش دانشجویی از اول تأسیس دانشگاه در ایران، مطرح بوده است. این بخش از جنبش مردم کشور ما، در تاریک ترین روزها فعال بوده و مشکلات زیادی را تحمل کرده است و اغلب رهبران سیاسی کشور ما فعالیت خود را از دوران دانشجویی شروع کرده اند. جریانهای مبارزه مسلحانه زمان رژیم سلطنتی نیز از درون این جنبش برخاسته، از آن یارگیری و تغذیه کرده و در مقابل، بر آن تأثیر گذاشته است.

جنبش دانشجویی در کشور ما، دارای صاحب نام و صاحب مهر و نشان خاص خود می باشد. دیگر نمی شود این جنبش را نادیده گرفت. بویژه اغلب صاحب منصبان نظام جمهوری اسلامی از درون این جنبش بیرون آمده اند و بنابراین، از کیفیت آن آگاهی روشنی دارند.

بعد از انقلاب، انقلاب فرهنگی ضربه مهلکی به پیکر این جنبش وارد ساخت. دانشجویان دگر اندیش از ادامه تحصیل محروم شدند. انجمنهای اسلامی با نظارت دولتی تشکیل گردید، تا دین اسلام را در دانشگاهها برقرار سازند.

از آنجا که جامعه و از آن جمله طیف دانشجویان، همیشه در جنبش متحرک می باشد، پس از مدتی، باز هم افکار و اندیشه متفاوت در بطن این جنبش شکل گرفت.

با روی کار آمدن آقای خاتمی، دگر اندیشی مجال خودنمایی پیدا کرد. بنابر این، جنبش دانشجویی نیز مانند اغلب اجتماعات کشور به جبهه بندی تقسیم گردید. مانند جبهه اصلاحات، اصولگرایان و سایر.

با روی کار آمدن دولت نهم جنبش دانشجویی و اساتید دانشگاهی باز با شدت تمام زیر ضربه رفت. بسیاری از اساتید که از نظر فکری با دولت نهم در یک سو قرار نداشت، از کار برکنار شدند، دانشجویان فعال بازداشت و از تحصیل محروم شدند. این برخورد با دانشجویان در ۱۶ آذر سال جاری، به حدت و شدت خود رسید. چنانکه دهها دانشجوی دگراندیش در بازداشتگاهها بسر می برند و حتی دو نفر از آنها در سندانج و کرمانشاه در زندان کشته شدند.

پیرو این تشدتها، انجمن اسلامی ۳۷ دانشگاه کشور طی اعلامیه ای خواستار آزادی بیان، افکار و اندیشه شدند و از مسئولین امور خواستند که به سرکوب

## مهاجرده فرقه نین یاشاماسینا خدمت ائدنلر اونو دولماجا یاقدر

شهرینه حربی مکتبه گؤندریلمیشدیر. ملی حکومت مغلوب اولاندان سونرا وطنه قاییدا بیلمه یین محمد رضا عاقیت مهاجرده فرقه برپا اولاندان سونرا، اودا فرقه نین اجتماعی ایشلرینده فعال چالیشماقلا برابر تحصیلینی داوام ائتدیرمیشدیر. عاقیت محمد رضا باکی دا دولت اونو اونیورسیتی نین فالوگییا فاکولته سینی قورتاردیقان سونرا آذربایجان دمکرات فرقه سینین اورقانی اولان «آذربایجان» روزنامه سینده ایشله میشدیر. بورادا شعبه مدیری و سونرا روزنامه نین ۲۰ ایله یاخین رئداکتورو اولموشدور. «آذربایجان» روزنامه سینده نظری، سیاسی و سایره مقاله لر یازماقلا ائدیالوژی جهندن خدمت لر ائتمیشدیر.

عاقیت محمد رضا عینی زماندا فرقه نین اجتماعی ایشلرینده فعال چالیشمیشدیر. او باکی شهر کمیته سینین و مرکزی کمیته نین عضوی سؤچلمیشدیر. اونون بیر نئچه اثری، خصوصیه « ستارخان » ادلی ماناقرافیاسی چاپ اولموش. محمد رضا فرقه نین ائدیالوگیاسینین یایلاماسیندا سیاسی جهندن مبارزه نین گوجلنمه سینده اوز قلمی ایله بؤیوک خدمت ائتمیشدیر. او، عین زماندا فرقه نین یاشاماسینا و سافلغینا وار قووه سینی صرف ائتمیشدیر.

۲۶ - اسدی محمد قنبر اوغلو ۱۹۴۶ - نجی ایله فرقه کادری کیمی کئچمیش سوونت آذربایجانینا مهاجرت ائتمیش، ۱۹۵۲ - نجی ایله قدر ماشین قاییرما زاوودوندا ایشلمیش و سونرا کند تصرفاتی تخنیکومونو قورتارمیشدیر. بو زمان فرقه نین برپا اولنماسیندا یاخیندان اشتراک ائتمیش، حوزره صدری ایشلمیشدیر. فرقه ده اولان فعالیتی ایله علاقه دار ۱۹۵۴ - نجو ایله باکی عالی پارتیا مکتبینه اوخوماغا کئتیرلمیشدیر. ۱۹۵۸ - نجی ایله پارتیا مکتبی نی قورتاردیقان سونرا فرقه نین ایشلرینده چالیشمیشدیر.

اسدی محمد مرکزی کمیته نین تشکیلات شعبه سینین عضوو کیمی مرکزی کمیته نین احسائییه بؤلمه سینده رهبرلیک ائتمیشدیر. احسائییه بؤلمه سینده ایشله یرکن سندلرین حاضرلانماسیندا و قورونوب ساخلانماسیندا بؤیوک زحمتلر چکمیش دیر. احسائییه بؤلمه سینده رهبرلیک ائتمکله برابر، فرقه نین اجتماعی ایشلرینده فعال چالیشمیشدیر. اسدی عمرونون آخیرینال قدر فرقه یه و انقلابی مبارزه یه صادق قالمیشدیر.

آردی ۶ - جی صحیفه ده

کئچن نمره لریمیزده گؤستریلدیگی کیمی مهاجرده انقلابی بیر تشکیلاتی قوروپوب ساخلاماق، انقلابی مبارزه نی داوام ائتدیرمک، آذربایجان خالقینین ملی حقوقلارینی اله ائتمک مقصدینی داوام ائتدیرمک یالینز فداکارلیق طلب ائدیر. بو آغیر و شرفلی وظیفه نی یئرینه یئتیرمک، فدائی آدینی قبول ائده ن فرقه عضولری حیاتا کئچره بیلرلر. بو مبارزه نی مهاجرده دوام ائتدیره ن فرقه عضولرینین یاندیردیقلاری مشعل اولکه یه ایشیق سالمالیدیر.

قید ائتمک لازیمدیر کی، فدائیلرین ۶۰ ایل یاندیردیقلاری مشعلین ایشیقلاری نه اینکه سونمور، او، داها دا اوز ایشیقلارینی اولکه نین بوتون ایالت لرینه یاییر. عشق اولسون مهاجرده چتین شرایطده مبارزه یینی داوام ائتدیریب، یعنی مبارزه نین گوجلنمه سینده کومک ائده ن فدائیلره. بئله مبارزه نی داوام ائتدیره ن فدائیلرین سائی چوخ اولسادا، اونلاردان بعضلرین آدلارینی قید ائتمک اوچون ایمکانلاریمیز واردیر.

۲۴ - مجیری جعفر محمد حسین اوغلو ۱۹۴۶ - نجی ایله آذربایجان ملی حکومتی نین ضابطی کیمی سوونت آذربایجانینا سیاسی پناهنده اولموشدور. مجیری جعفر مهاجرته گلن گونده ن فرقه نین اجتماعی ایشلرینده، خصوصیه ایدیالوژی ساحه ده «آذربایجان» روزنامه سینده، آذربایجان دمکرات فرقه سینین گیزی رادیوسوندا چالیشمیش و مقاله لر یازمیشدیر. او، اوزون ایللر «آذربایجان» روزنامه سینین رئداکتورو اولموشدور. فرقه نین نشریه لرینده چوخلو نظری مقاله لری چاپ اولموشدور. خراسان عصیانی حاقیندا پسپان محمد تقی خان» ادلی کتابی، «مرد مبارزلر» ادلی اوچ جلدلیک شهیدلر کتابینین مؤتلفی اولموشدور. انله جه ده «آذربایجان» مجله سینده چوخلو مقاله لری نشر ائدیلمیشدیر.

مجیری جعفر آذربایجان دمکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین تفتیش کمیسونون صدری اولموشدور. انله جه ده آذربایجان دمکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین عضوی و اجرائییه هئیتی نین عضوی سؤچلمیشدیر. مجیری جعفر عمرونون آخیرینا قدر فرقه نین ائدیالوژی ایشلرینده فرقه نین یاشاماسینا کؤمک ائتمیشدیر. مجیری عینی زماندا بدیعی اینجه صنعت اوزره علملر نامزدلیگی عالیم لیک درجه سی آلمیشدیر. خالچاقچیلیق اوزره بیر چوخ مقاله لر یازمیش و خالچالار توخوموشدور.

۲۵ - عاقیت محمد رضا عبدالله اوغلو ۱۹۴۶ - نجی ایلین آپریل آئیندا آذربایجان ملی حکومتی طرفیندن باکی

## مهاجرته فیرقه نی ن یاشاماسینا... داوامی

۲۷ - آذربایجان دموکرات فرقه سینین رایون و شهر کمیته لرینین فعالیتینده بیر چوخ یولداشلارین خدمت لری آغیر زحمت لری اولموشدور. اونلار مهاجرلرین ائو آلماسی، ایشله تأمین اولمالاری، خسته لرین معالجه اولونمالاری اوچون چوخ ایش گؤرمه لی اولوردولار. قلم صاحب لری اولان آداملار اؤز قلملری ایله « آذربایجان » روزنامه سینی « آذربایجان » مجله سینی یوزلرله کتابلار و معروضه لری حاضیرلاییب مهاجرلرین اختیارینا قویوردولار.

عین زماندا دشمنلر طرفیندن آذربایجان دموکرات فرقه سینه و اونون رهبرلیکی آلتیندا یارانمیش ملی حکومت قارشی آتیلان بهتانلاری رد ائدن کتابلارین یازیلماسیندا اولان خدمت لر اونودولمازدير. مهاجرلرین بیر چوخلاری اؤز امک لری ایله فرقه نین مهاجرته نفوذونو قالدیرمیشلار. همده فرقه نین اجتماعی ایشلرینده وار قووه لرینی صرف ائدن آداملار اونودولمالیدیرلار. اونلارین بعضیلرینین آدلارینی فخر ایله قید اندیریک.

۲۸ - قربانعلی زاده حسین نجف اوغلو آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سی نین تفتیش کمسیونون صدری باکی نریمانوف حومه سینین صدری اولموش، اوزون ایللر باکی دمیر یولو اداره سینین رئیسی ایشلمیشدیر. عؤرونون آخیرینا قدر مرکزی کمیته نین عضوی اولموشدور.

۲۹ - قیائی اکبر اسرائیل اوغلو اوزون ایللر آذربایجان دموکرات فرقه سینین رایون کمیته لرینده کمیته صدری اولموشدور. او، اؤزونون تمیزلیگی و قایغی کشلیگی ایله فرقه عضولرینین حرمتی نی قازانمیشدیر. قیائی مرکزی کمیته نین کنفرانسلارینین نماینده سی اولموش و مرکزی تفتیش کامیسیاسینین عضوی سئچلمیشدیر. او، همیشه فرقه نین مبارزه سینه و گله جک انقلابی مبارزه یه صادق قالمیشدیر.

۳۰ - زینوزی عباسعلی اؤز قلمی ایله، پیشنمازی اسماعیل محمد علی اوغلو باکی شهر کمیته سی نین صدری کیمی، ارجمندی یدالله شکی کمیته سی نین صدری کیمی، چاوشی میرمهدی اؤز صداقتی ایله، درخشان نور شعبان یعقوب اوغلو اوزونون صداقت و مهربانلیغی ایله فرقه عضولری آراسیندا، خصوصیه جوانلار آراسیندا بؤیوک حرمت قازانمیشلار. شیبانی احمد آقابی اوغلو فرقه کادری و فدائی باشچیسی کیمی تالیش

ماهالیندا ملی حکومتین نفوذونو قالدیرمیشدیر.

۳۱ - شمکیر رایون کمیته سینین صدری صادیقی ضربعلی ستار اوغلو، خاچماز فرقه تشکیلاتی نین صدری تقی زاده گل بابا احمد اوغلو، سومقاییت شهر کمیته سینین صدری فقیهی محمد مصطفی اوغلو، مرکزی کمیته نین عضوی، مرکزی کمیته نین تشکیلات شعبه سینین معاوینی عزیززاده عظیم، قوبا رایون کمیته سینین صدری پورعسگر اژدر صفر اوغلو، خاچماز و خودات فرقه تشکیلاتی نین صدری شجائی یوسف پولادخان اوغلو، گنج شهر کمیته سینین صدری روانی بهلول میرزه کیشی اوغلو، قوبا رایون کمیته سینین صدری زرافشان محمد علی احمد اوغلو و اونلارلا بنله آداملار مهاجرته فرقه نین یاشاماسیندا زحمت چکمیش و فرقه عضولرینین اعتمادلارینی قازانماقلا فرقه نی یاشاتمیشلار.

ائله جه ده فرقه نین ضیالی قووه لری فرقه نین مهاجرته یاشاماسینا شرفله کؤمک اندیب اؤز بورجلارینی وئریشلر. اونلاردان تاریخ علملری دوکتور و محمد داداش زاده، تاریخ علملری دوکتورو جدی حسین، بؤیوک یازچی حمزه فتحعی خوشگنابی، تاریخ علملری نامزدی تقی موسوی، بایتارلیق علملری نامزدی میرمحسن میر آقابالا اوغلو، کند تصرفاتی علملری نامزدی صلاحین علی، طبیب علملری نامزدی حاتم زاده مرسل و اونلارلا بنله ضیالیلاریمیز اؤز قلم لری و تشکیلاتی باجاریقلاری ایله فرقه یه کؤمک ائتمیشلر.

آذربایجان خالقینین چتین شرایطده مهاجرته فرقه نی قوروویوب ساخلایان بو فداکار اوغولارینی هنج بیر زمان اونوتمایاجاقدیر. وطن آزاد اولاندان سونرا اونلارین خدمت لرینی، وطن اؤزو قید انده جکدیر.

اردبیلی لطفعلی ( فلکی )

آذربایجان کلی حکومتینین دیل حاقیندا

### قرارلاریندان

۱- بو گوندن اعتبارا آذربایجان دیلی رسمی

دولت دیلی حساب اولونور

۲- بوتون اداره لرده ( دولتی، ملی، تجارتي و

اجتماعی ) اؤز ایشلرینی آذربایجان دیلینده

یازماغا مجبور دورلار.

## نامه سرگشاده عده ای از روشنفکران آذربایجان

قوانین (اعم از قوانین داخلی یا میثاق‌های بین‌المللی) ندارند، که در انطباق کامل با آن نیز هستند. بی‌شک تحقق حقوق فوق، موجبات تقویت انسجام در جامعه را فراهم کرده و عدم آن نیز باعث تعمیق شکاف‌ها و تشدید اختلافات داخلی خواهد شد.

وکلائی محترم  
امضاکنندگان این نامه به مثابه‌ی بخشی از جامعه‌ی روشنفکری آذربایجان، در این شرایط حساس به حکم وظیفه‌ی اخلاقی و میهنی خویش و ضمن اعلام آمادگی برای همکاری کارشناسانه با کمیسیون‌های ذیربط مجلس، از شما می‌خواهند تا پیش از آنکه دیگرانی بخواهند نسبت به اعاده‌ی حقوق حقه‌ی ما اقدام کنند، خود پیشقدم شده، با تهیه و تصویب طرح "اجرایی کردن حقوق زبانی" در راستای بالفعل نمودن حقوق مردم اقدام عاجل معمول فرمائید.  
فردا ممکن است خیلی دیر باشد

287 امضا

نمایندگان محترم مجلس شورایی اسلامی چنانچه به‌خوبی واقفید جامعه‌ی ما از دردهای مزمنی چون مسأله‌ی ملی (یا عدم تحقق حقوق قومی) رنج می‌برد و در شرایطی که مردم همچنان در راستای تحقق حقوق حقه‌ی خویش پای می‌فشارند، طبعاً آنانی که در جهت بر آورده شدن این حقوق قدم‌های مثبت عملی بردارند، با دست پرتری به میدان آمده‌اند. اینک به نظر می‌رسد که زمان حل مسأله، بدست خودمان فرا رسیده باشد.

تاکنون دانشگاهیان، معلمان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، نویسندگان و بازاریان آذربایجانی طی صدها نامه‌ی سرگشاده و قطعنامه، خواستار رسمیت زبان مادری خویش در حیطه‌های آموزشی، رسانه‌های عمومی و سایر حوزه‌های اجتماعی شده‌اند، از خرداد 1385 نیز این مطالبات از زبان میلیون‌ها آذربایجانی طی تحصن‌های دانشگاهی و تظاهرات خیابانی با صدای بلندتری تکرار شده‌اند. خواست‌هایی که به عنوان حقوق طبیعی انسان‌ها نه تنها هیچ مغایرتی با روح

## آخرین وضعیت 5 زندانی سیاسی شهر زنجان در اوین

بهر روز صفری نیز که از اوایل خرداد دستگیر و در بازداشتگاه‌های اداره اطلاعات زنجان و بند 209 اوین مورد شکنجه جسمی و روحی شدید قرار گرفته است در یک سلول چند نفره نگهداری می‌شود که وی نیز در اثر نبود وسایل گرمایشی و کمبود امکانات به شدت قوای جسمانی خود را از دست داده است و وضعیت جسمی ایشان نیز رضایت بخش نمی‌باشد.

لیلا حیدری که از ششم شهریور به هنگام مراجعت به اداره اطلاعات شهر زنجان برای پیگیری وضعیت همسر خود بهروز صفری بازداشت شده است، از پنج روز قبل از سلول انفرادی به یک سلول 2 نفره منتقل شده است

لیلا حیدری پس از بازداشت، مدتی را در بازداشتگاه اطلاعات زنجان نگهداری شد و سپس به بند 209 زندان اوین منتقل گردید. حیدری که از بیماری قلبی و همچنین میگردن رنج می‌برد، بارها در زندان دچار حمله‌های قلبی و میگردن شده است. بطوری که دو بار در حین بازجویی، بیهوش شده است

پنج زندانی سیاسی شهر زنجان که در زندان اوین همچنان در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برند در شرایط نامساعدی نگهداری می‌شوند. این زندانیان که در سلول‌های چند نفره بند ۲۰۹ اوین نگهداری می‌شوند حتی از کوچکترین امکانات گرمایشی نیز محروم می‌باشند.

بر اساس اظهارات خانواده این زندانیان، در حال حاضر سعید و رضا متین پور و جلیل غنی‌لو به همراه چند زندانی دیگر در یک سلول به سر می‌برند و در نتیجه کمبود امکانات گرمایشی در سلول، ریه رضا متین پور به شدت عفونت کرده و جلیل غنی‌لو نیز به شدت دچار سرماخوردگی شده است.

وضعیت جسمانی سعید متین پور نیز با توجه به شکنجه‌های روحی و جسمی در طول دوران بازداشت و همچنین عدم وجود امکانات در سلول چندان مطلوب نمی‌باشد..

## دو تریلیون هزینه ی جنگ عراق در چه راهی می توانست مصرف شود؟

کند. اما همین که شما به آنچه که این مقدار پول می تواند بخرد نظر کنید، اثر جهانی اجرای این جنگ عمدتاً نامطبوع، آشکار می شود.

مجسم کنید که، بر پایه ی منابعی مانند جفری ساکس (Jeffrey Sachs) دانشگاه کلمبیا، انستیتو نظارت جهانی، و سازمان ملل، جهان با همین مقدار پول چه می تواند بکند:

- محو فقر گسترده ی همه جای جهان (۳۵ میلیارد دلار در سال نخست، و ۱۹۵ میلیارد دلار در سالهای بعد تا ۲۰۱۵ میلادی)
- دستیابی به هدف باسواد کردن مردم جهان (۵ میلیارد دلار)
- مصونیت بخشیدن به همه ی کودکان جهان در برابر بیماریهای مرگ آفرین (۱/۳ میلیارد دلار در سال)
- در اختیار گذاردن پول کافی برای کشورهای در حال توسعه به منظور مبارزه با اپیدمی ایدز (۱۵ میلیارد دلار در سال)
- به سخن دیگر، با هزینه ای معادل ۱۵۶/۳ میلیارد دلار، تنها در سال جاری - که کمتر از یک دهم هزینه ی جنگ عراق است - می توان همه ی ملتهای جهان را از باتلاق فقر بیرون کشید، به همه ی افراد جهان سواد خواندن و نوشتن آموخت، مرگ و میر کودکان را به شدت کاهش داد، و همزمان، جهش های بزرگی در جنگ علیه ایدز کرد و در نتیجه میلیون ها جان را از مرگ نجات داد

و بعد باقیمانده پولها را سالانه ۴۰ میلیارد تا ۶۰ میلیارد دلار صرف پروژه هایی کنیم که بانک جهانی می گوید برای هدفهای هزاره ی توسعه که توسط رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ برقرار گردید، مورد نیاز است، تا بتوان همه اسباب و لوازم را در همه ی زمینه ها، از زدودن نابرابری جنسی (انسانی) گرفته تا بهبود و قابل زیست کردن محیط زیست، فراهم ساخت.

مفهوم درونی این تحلیل را نمی توان دست کم گرفت. این، بدین معناست که هرگاه ما علاقمند باشیم اولویت ها را جابه جا کنیم، یک دنیای بهتر و عادلانه تر برون از دسترس نیست. هرگاه آمریکا و ملتهای دیگر تصمیم بگیرند همانقدر برای صلح خرج کنند که برای جنگ می کنند، فقر ریشه کن خواهد شد، و ناامیدی و احساسات ضد غربی، که انگیزه ی تروریسم است ناپود خواهد شد - دقیقاً همان چیزی که قرار بود از جنگ عراق حاصل شود

بنابر این، همچنان که نامزدهای امسال برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری رقابت می کنند، چه راهی بهتر از آن که با ترمیم تصویر زنگ گرفته ی رئیس جمهوری ناشی از جنگ در برون مرز، تبدیل به یک رهبر توسعه ی جهانی شوند؟ شاید کمی دیر شده باشد برای عقب روی در زمان و دوباره اندیشه کردن درباره ی آغاز جنگ، ولی برای ایالات متحده و دیگر کشورهای پیشرفته، سرمایه گذاری برای آینده جهان هنوز دیر نشده است.

دو تریلیون هزینه ی جنگ عراق در چه راهی می توانست مصرف شود؟

تورنتواستار

کریگ و مارک کیل برگر

برگردان: کریم زبانی

هرگاه آمریکا و ملتهای دیگر تصمیم بگیرند همانقدر

برای صلح خرج کنند که برای جنگ می کنند، فقر ریشه کن خواهد شد

در جنگ، چیزها به ندرت همان هستند که به نظر می رسند.

در سال ۲۰۰۳، و در روزهای منتهی به تهاجم ایالات متحده به عراق پنتاگون متبحرانه اصرار می کرد که آن جنگ، نسبتاً کم هزینه خواهد بود. یعنی تقریباً ۵۰ میلیون دلار هزینه برمی دارد تا جهان از شر صدام حسین خلاصی یابد. ما می دانیم که این پیش درآمدی شد برای اشتباه محاسبه های بیشمار دیگری که از پی آمد. اکنون که جنگ به پنجمین سال خود قدم می گذارد، جنگ عراق، نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار برای مالیات دهندگان آمریکایی هزینه برداشته است؛ و این رقم براساس محاسبه یک گروه پژوهشی بی طرف مستقر در ایالات متحده به نام پروژه ی اولویت های ملی به دست آمده است، رقمی که هر روز بزرگتر و بزرگتر می شود. این رقم چشمگیر، با این حال، حتی نزدیک به رقم واقعی هزینه ی جنگ نیست. به موازات بزرگتر شدن بالون بهای تهاجم، اقتصاددانان و تحلیل گران در حال بررسی کل بار مالی جنگ عراق می باشند که شامل هزینه های نامستقیمی که آمریکاییان تا زمانی دراز پس از بازگشت سربازان به وطن، خواهند پرداخت، می شود.

رقمی که این تحلیل گران به آن رسیده اند بهت آور است. محاسبه توسط لیندا هلمز از دانشگاه هاروارد و اقتصاددان برنده ی جایزه ی نوبل، ژوزف سٹیگلیز انجام گرفته و معتبر خواهد ماند.

آنان به این نتیجه رسیده اند که شما همین که سازه هایی چون هزینه های بیمارستانی سربازان مجروح، افزایش بهای نفت، و جایگزینی واحدهای نظامی را وارد محاسبه می کنید، هزینه ی پرداختی آمریکایی ها برای جنگ از دو تریلیون هم بالاتر می رود. تازه این رقم خسارت ها و خرابی های وارد بر عراق یا هیچیک از هزینه های عملیات متحدان آمریکا را در برنمی گیرد.

"آیا اگر آمریکاییان از کل هزینه های جنگ آگاه بودند، رویکرد دیگری به جای رفتن به جنگ پیش می گرفتند؟" این پرسشی است که هلمز و سٹیگلیز در گزارش خود پیش روی هموطنانشان قرار داده اند و به دنبال پرسش بالا، می گویند: "شاید جنگ را به گونه ای متفاوت از آنچه کردیم، پیش می بردیم."

بسیار دشوار است تصور و فهم رقم دو تریلیون. حتی بیل گیتس را هم که یکی از پولدارترین افراد جهان است، شگفت زده می

## بیانیه جمعی از زنان آذربایجان در حمایت از لیلا حیدری

گذشته شاهد دستگیری زنان دگراندیش ترک در نقاط مختلف آذربایجان بوده‌ایم؛ زنانی که هم دغدغه برابری زنان و مردان را دارند و هم دغدغه برابری حقوق اقوام و ملل ایرانی را. اما آن چه تامل‌برانگیز است، عدم پوشش خبری مناسب دستگیریهایی فوق چه از جانب جنبش زنان ایران و چه از جانب دیگر گروهها و فعالین سیاسی است که نتیجه اتخاذ چنین رویکردی بازگذاشتن دست سرکوب گران است که با خیال راحت و به‌دور از نظارت ناظرین حقوقی و افکار عمومی، به اتهامات واهی تجزیه‌طلبی و بدون در نظر گرفتن کمترین حقوقی، با بیرحمانه‌ترین برخوردها، این افراد را دستگیر و روانه زندان می‌کنند و همین امر ظلمی مضاعف در حق این فعالان است.

جنبش زنان آذربایجان، ضمن ابراز ناراضی خود از تهدید، بازداشت و شکنجه فعالان اجتماعی و سیاسی آذربایجان که اغلب آنها در شرایط بسیار بدی بسر می‌برند، معتقد است، ادامه این روند بر کینه و نفرت مردم این خطه افزوده و باز تاکید می‌کنیم، راه را برای حرکات افراطی هموار می‌کند. ما زنان عمیقاً درک می‌کنیم که خانواده‌ها و همسران این زندانیان از جمله عطیه طاهری همسر سعید متین‌پور، رقیه علیزاده همسر عباس لسانی و خانواده‌های رضا متین پور و جلیل غنی‌لو و... بسیار معذب‌تر از خود آنها هستند.

ما خواهان آزادی این زندانیان، به ویژه آزادی فوری و بدون قید و شرط لیلا حیدری هستیم که به هنگام ملاقات با همسر زندانی خود، به‌روز صفری (از فعالان سیاسی آذربایجان) بازداشت و اکنون پنجمین ماه دستگیری خود را در به بند ۲۰۹ زندان اوین در حالی می‌گذراند که به گفته منابع خبری و بنا به گزارش گزارشگران حقوق بشر، بارها در زندان دچار حمله‌های قلبی و میگرن شده است، بطوری که دو بار در حین بازجویی، بیهوش شده و حتی مسئولان بهداری نسبت به وضعیت او هشدار داده‌اند.

لذا، ما زنان آذربایجانی فعال در جنبش زنان، ضمن تاکید و توجه بر حقانیت مطالبات قومی (ملی)، خواستار آزادی هر چه سریعتر لیلا حیدری، باتوجه به وخامت وضعیت سلامتی وی هستیم و از تمامی فعالین جنبش زنان و نهادهای مدنی و فعالین سیاسی انتظار داریم با امضای بیانیه برای آزادی لیلا حیدری، با ما همصدا شده و زنان آذربایجان را یاری دهند.

فعالین جنبش زنان آذربایجان

۸۶/۱۰/۲۹

توضیح: این بیانیه به امضاء ۹۸۹ نفر رسیده است

هم اکنون کشور ما در شرایطی به سر می‌برد که روز به روز بر محدودیتهای فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آن افزوده می‌شود. این تضییقات، پیامدهای بسیار نامطلوب‌تری را گریبانگیر جامعه خواهد کرد. زنان آذربایجانی اعتراض خود را به ادامه این روند اعلام نموده و خاطر نشان می‌کنند:

۱ - تشدید فیلترینگ سابتها و توقیف نشریات و اخطار به آنها مبنی بر اجتناب از طرح مسائل جدی اجتماعی و ... موجب به بن بست کشیدن روند دمکراتیزه کردن جامعه و بی محتوایی مطبوعات و جراید شده و نهایتاً جریانات اجتماعی را به سوی حرکات افراطی سوق خواهد داد. ما زنان آذربایجانی اعتراض خود را به توقیف نشریات، از جمله توقیف ماهنامه "دیلماج" که به تحلیل معضلات آذربایجان و انعکاس قابلیت‌های آن می‌پرداخت و در صدد ارتقا بار تئوریک فعالان اجتماعی آن بود و علاوه بر آن تریبونی آزاد برای جنبش مستقل زنان آذربایجان نیز محسوب می‌شد، اعلام می‌کنیم. نمونه‌های متعدد دیگری را می‌توان برشمرد، از جمله نشریه دانشجویی "تلنگر" که برای طرح مسائل زنان با انتشار اولین شماره خود توقیف شد! و هیئت تحریریه و مدیر مسئول آن به حراست دانشگاه تبریز فرا خوانده شدند.

ما خواستار رفع لغو امتیاز و توقیف نشریات مستقل آذربایجان و پایان دادن به ارباب مدیران مسئول مطبوعات هستیم و اخطار به ماهنامه‌ها و فصلنامه‌هایی که برخی شماره‌های خود را به طرح مسائل زنان اختصاص می‌دهند، محکوم می‌کنیم.

۲ - جنبش زنان آذربایجان همچنان که از پیش‌تازان "کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان" بود- چنان چه در ابتدا بیشتر شهرهای پیش‌تاز این حرکت، بعد از تهران از شهرهای آذربایجان بودند - معتقد است آشنایی زنان با حقوق داشته و نداشته‌شان، مهمترین راه برای تعیین و تثبیت خواسته‌های آنان به شمار می‌آید. ما کماکان حامی کمپین به عنوان کف مطالبات زنان هستیم و این را حق مسلم و ابتدایی هر کسی می‌دانیم که ذیل خواسته‌های خود را امضا کند. ما هر گونه تهدید یا دستگیری و ارباب فعالین جنبش زنان را محکوم می‌کنیم.

۳ - احقاق حقوق زنان، هدف مشترک فعالین جنبش زنان است. در حالی که زنان ترک، کرد، عرب و... خواسته‌های مدنی خود را با دیگر زنان فعال در جنبش زنان پیوند زده‌اند، در راستای احقاق حقوق ملی خویش و... نیز مبارزه می‌کنند و بیشترین هزینه‌ها را متحمل می‌شوند. چنان چه در ماههای